

دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۲۰۸

ورزشی



یادداشت

قهرمانی تراکتور

افتخاری در سایه اتهامات



و کلین‌شیت‌ها، بلکه در شفافیت مسیر رسیدن به آن سنجیده می‌شود. قهرمانی تراکتور در فصل ۱۴۰۴-۱۴۰۳ از این جنس است؛ موفقیتی فنی که در سایه سوءظن‌ها و کاستی‌های مدیریتی گرفتار شده است.

تراکتور بالاخره به آرزوی دیرینه خود رسید؛ جام لیگ برتر، تیمی که در سال‌های اخیر بارها با سرمایه‌گذاری گسترده، تغییرات فنی و جذب چهره‌های شاخص در آستانه فتح لیگ قرار گرفت و موفق نشد، این بار با دراگان اسکوچیچ و ترکیبی یکدست و حرفه‌ای، راه را تا انتها رفته، اما در کنار تمام نکات مثبت این مسیر، لگلهایی بر تصویر این قهرمانی نقش بسته که نمی‌توان به سادگی از کنارشان گذشت. یکی از اصلی‌ترین کانون‌های اختلاف‌برانگیز، انتقال جنجالی علیرضا بیرانوند از پرسپولیس به تراکتور بود. برخلاف سایر بازیکنانی که به‌صورت آزاد تیم خود را ترک کردند، بیرانوند با فسخ یک‌طرفه قرارداد، راهی تبریز شد. پرسپولیس بلافاصله به کمیته تعیین وضعیت و استیناف شکایت سرد و ادعا کرد تراکتور با اغسوی بازیکن تحت قرارداد، قوانین را زیر پا گذاشته است. اما حالا، با گذشت ۱۰ ماه، هنوز هیچ رأی از سوی مراجع قضایی صادر نشده؛ سکوتی معنادار که فضای فوتبال ایران را دچار شک و شبهه کرده است.

این تعلل نته‌نبا به ضرر روند قانونی فوتبال کشور است، بلکه ضربه‌ای بزرگ به مشروعیت قهرمانی تراکتور وارد کرده است. هیچ‌کس منکر توان فنی تراکتور نیست. اسکوچیچ با نظم، تدبیر و شناخت دقیق از فوتبال ایران، تیمی ساخت که هم در دفاع و هم در حمله، ثبات و انسجام کم‌نظیری داشت. بازیکنانی که با نظم تاکتیکی، وفاداری به ساختار تیمی و آمادگی ذهنی بالا پا به میدان گذاشتند اما بی‌تفاوتی فدراسیون در رسیدگی به موضوعاتی چنین حساس، مسیر شفافیت را به گردابی از شایعه و تردید بدل کرده است. تراکتور در این فصل، از همان ابتدا با هجومی مثال‌زدنی به‌بازار نقل‌وانتقالات وارد شد و مهره‌های کلیدی پرسپولیس را یکی پس از دیگری جذب کرد. همین مساله، آتش رقابت را بیش از شروع فصل شعله‌ور کرد اما خرید بازیکن، حتی از رقیب، در چارچوب قانون مشکلی ن‌دارد. مشکل از جایی آغاز شد که فسخ یک‌طرفه بیرانوند به عنوان دستمایه‌ای برای اعتراض پرسپولیس، بی‌پاسخ ماند. این سکوت، قضاوت‌ها را به سمت تئوری‌هایی برد که ردپای دخالت نهادهای بیرونی را نیز در روند عدم صدور رأی مطرح می‌کرد.

نکته جالب‌تر آنکه حتی اگر بیرانوند از سوی کمیته‌های قضایی محروم می‌شد، تراکتور گزینمای مطمئن چون حسین پورحمیدی را روی نیمکت داشت. دروازه‌بانی که فصل گذشته با ۱۸ کلین‌شیت، عنوان بهترین دروازه‌بان لیگ را به خود اختصاص داد و در این فصل نیز همواره آماده حضور در ترکیب بود. بنابر این ادعای برخی مبنی بر اینکه حضور بیرانوند، قهرمانی را تضمین کرده، بیش از آنکه بر تحلیل فنی استوار باشد، بر احساسات هواداری بنا شده است.

اما حقیقت این است که ضعف نهادهای تصمیم‌گیر در فوتبال ایران، بویژه کمیته‌های انضباطی و تعیین وضعیت، تنها تراکتور ارقربانی نکرد. این ضعف ساختاری، در سال‌های اخیر به دفعات بر سرنوشت لیگ تأثیر گذاشته است. این‌بار اما قربانی اصلی شاید خود تراکتور باشد؛ تیمی که بهترین عملکرد را در زمین داشت اما در خارج از آن، اسیر قصور فدراسیون و مدیریت بحران زده آن شد.

در فضای مجازی، لفظ «قهرمانی ناپاک» بی‌محابا از سوی برخی هواداران رقبا استفاده می‌شود اما این تعبیر، بی‌انصافی در حق بازیکنانی است که فصل را با تلاش، تعهد و نظم پشت‌سر گذاشتند. تراکتور به‌لحاظ فنی، مستحق این جام بود. بازیکنانی چون ترابی، حسین‌زاده، آقاسی و هاشم‌نژاد در کنار اسکوچیچ که تیم را به معنای واقعی کلمه مدیریت کرد، ثابت کردند قهرمانی‌شان اتفاقی نبوده است. آنچه امروز باید بر آن تمرکز کرد، نه زیر سؤال بردن اصل قهرمانی، بلکه مطالبه‌گری از فدراسیون برای شفاف‌سازی، پاسخ‌گویی و پایان دادن به روندهایی است که «اعتماد عمومی» به سلامت رقابت را تخریب می‌کند. قهرمانی تراکتور شاید از حیث فنی کاملاً پاک باشد اما تا زمانی که پاسخ روشنی درباره پرونده‌های مشکوک داده نشود، این افتخار در سایه‌ای سنگین باقی خواهد ماند.

در نهایت، اگرچه جام به تبریز رفت اما بار دیگر سؤال اصلی نه‌از اسکوچیچ و بازیکنانش، بلکه از فدراسیون فوتبال ایران است: تا کی ضعف ساختاری، باید دستاوردهای فنی را به اتهام آلوده کند؟



با نمایش مقابل آلومینیوم، آبی‌ها به جام حذفی امیدوار شدند

غرش دیر هنگام



استقلال دیر از خواب بیدار شد و اکنون مزیت این دیر بیدار شدن فقط می‌تواند بهبود جایگاهش در لیگ برتر و امیدواری به قهرمانی جام حذفی را در پی داشته باشد، البته به شرطی که

این بیداری موفق نباشد.

آبی‌پوشان در هفته بیست‌وهشتم لیگ برتر تحت هدایت ششمین سرمربی خود توانستند تیم سیدمجتبی حسینی را در تهران با شکست سنگین بدرقه کنند، تا هم پس از ۷۰ روز طعم برد در لیگ برتر را بجوشند و هم پرگل‌ترین پیروزی خود در ۲ فصل اخیر را به دست آورند و از طرفی هم برای تنها امیدشان در این فصل (جام حذفی) شارژ روحی شوند.

در روزی که خواسته هواداران استقلال، فقط کسب ۳ امتیاز بازی بود، آبی‌پوشان تهرانی با زدن ۵ گل هواداران خود را سورپرایز کردند در این بازی، استقلال متغولات از تمام بازی‌های خود در فصل جاری بود؛ زدن ۵ گل در یک بازی حتی در فصل پیش هم که از امیدهای قهرمانی بودند برای آنها رخ نداده بود. سوی تعداد گل‌های زده، تیم استقلال در این بازی به لحاظ فنی و انگیزشی (بویژه در نیمه دوم) متغولات از قبل شده بود و در ایجاد این روند نمی‌توان نقش مجتبی جباری و کادر فنی وی را نادیده گرفت؛ نقشی که اختیاری‌زاده هم در حال انجاشش بود اما یک تصمیم غیرعقلانی و غیر کارشناسی، آن را بر باد داد تا این تیم امتیازات متعددی را از دست بدهد و هر روز به رتبه‌های پایین‌تر سقوط کند و اینک با تغییر چندباره سرمربی، در فاصله ۲ هفته به پایان لیگ برتر موفق شود رتبه خود را در جدول تکریمی کند!

نیمه اول، تیم آلومینیوم نسبتاًسوار بر بازی بود و در مقاطعی از بازی (پس از گل اول استقلال) آنها فوتبال ترکیبی بهتری ارائه دادند و استقلال در دقایقی از بازی در یک سوم دفاعی خود به کشیدن زیر توپ هم روی آورد اما نیمه دوم متعلق به شاگردان جباری بود. در این نیمه که با آنالیز و تدابیر درست کادر فنی استقلال همراه بود، آبی‌پوشان توانستند قدرت خود را کاملاً بر حریف اراکی دیکته کنند و با یک بازی کم‌نقص و استفاده از منافع دفاعی حریف ۴ بار دیگر دروازه آلومینیوم را باز کنند. استقلالی‌ها پس از مدت‌ها با استفاده از طرق مختلف تاکتیکی، روی دروازه حریف هجوم می‌آوردند؛ آنها در این نیمه با استفاده از پاس تودر، کلت‌بک و ارسال بلند دروازه‌بان خود به گل رسیدند و چون بازی‌های قبلی فقط بر ارسال از جناحین تمرکز و اصرار نداشتند، این تفاوت در نحوه

بازی آبی‌پوشان نسبت به قبل را نمی‌توان نادیده گرفت. این پیروزی پرگل در حالی نصیب استقلال شد که ۴ مهره اصلی تیم (ماشاریپوف، آزادی، سیلوا و اندونگ) جزو ترکیب ثابت قرار نگرفته بودند و فقط ۲ تای آخری دقایقی فرصت بازی پیدا کردند و این را نیز می‌توان از نکات مثبت تصمیمات کادر فنی این تیم دانست؛ کادر فنی استقلال ترجیح داد به جای توجه به بازیکنان اسمی ولی کم‌توفیق یا کم‌انگیزه و مسن، میدان را در اختیار بانگیزه‌ترها و نیروهای جوان‌تر قرار دهد. کوشکی پس از مدت‌ها به همان بازیکن موثر زمان سهراب تبدیل شد، اسلامی هم گل زد و هم پاس گل داد و جوما و کوچو که تاکنون جزو ضعیف‌ترین‌های استقلال بودند در این بازی گلزنی کردند تا بر خلاف بازی‌های قبل به نوعی احساس شود تیم مهاجم هم دارد تا وظیفه اصلی یک مهاجم یعنی گل زدن را انجام دهد!

ماتزاری همچنان مرد اول لیست استقلال است اما

بدون امضا

باعث شده تردیدهایی درباره تحقق این توافق به وجود آید. یکی از منابع نزدیک به باشگاه که از جزئیات مذاکرات باخبر است، اعلام کرده با وجود توافق نهایی با ماتزاری، هنوز هیچ چیز قطعی نیست؛ تا زمانی که قرارداد رسمی امضا نشود. این منبع تأکید کرده در صورتی که توافق با مربی ایتالیایی نهایی نشود، ۲ گزینه جدید نیز برای هدایت آبی‌پوشان معرفی شده‌اند و باشگاه آماده شروع مذاکرات با آنهاست.

در کنار ماتزاری، نام‌هایی مانند ریکاردو ساپینتو، سرمربی سابق استقلال و ژوزه مورایس، سرمربی پرتغالی سابق سپاهان نیز در فهرست گزینه‌ها قرار دارد. هر ۲ مربی سابقه حضور در فوتبال ایران را دارند و از چهره‌های آشنا برای فوتبال‌دوستان ایرانی محسوب می‌شوند. با این حال، به نظر می‌رسد تمرکز اصلی باشگاه همچنان روی ماتزاری است و او گزینه نخست استقلال باقی مانده است.

از سوی دیگر عنوان شده ۲ گزینه جدید نیز به فهرست مذاکرات اضافه شده‌اند و به احتمال زیاد مربیانی از آلمان هستند. این گزینه‌ها که هنوز نام‌شان به صورت رسمی اعلام نشده، قرار است در صورت ناکامی مذاکرات با ماتزاری، وارد فاز جدی گفت‌وگو با باشگاه شوند.

به طور کلی، انتخاب سرمربی جدید استقلال وارد مرحله‌ای حساس شده‌است. مدیران باشگاه می‌کوشند با انتخابی مطمئن و حرفه‌ای، آینده تیم را تضمین کنند اما با توجه به سابقه برخی گزینه‌ها و شرایط خاص مذاکرات، همچنان ابهاماتی وجود دارد. هواداران استقلال نیز با نگرانی و امیدواری پیگیر این موضوع هستند؛ به این امید که فصل آینده با حضور یک سرمربی توانمند، تیم‌شان روزهای موفق‌تری تجربه کند.

چگونه تراکتور با درخشش در نقل‌وانتقالات فاتح فوتبال ایران شد

هنر خوب خریدن



تراکتور این بار برای قهرمان شدن آمده است. برد پرگل مقابل هوادار در همان هفته‌های اول، نشان داد این تیم به چیزی کمتر از صدر راضی نیست. اما این فقط نتایج نبود که تراکتور را امتیاز می‌کرد، بلکه سبک بازی‌شان هم بود. ترکیبی از صلابت فیزیکی، نظم تاکتیکی و خلاقیت فردی. بیرانوند بار دیگر نشان داد چرا سال‌ها دروازه‌بان شماره یک تیم ملی است؛ ترابی در قلب میدان خلاقیت را به جریان انداخت و اسماعیلی‌فر با نفوذهای مکررش، خط دفاع حریفان را در هم شکست.

مجتبی جباری؛ خطر در کمین

یک سرمربی آینده‌دار

پیروزی پرگل و نمایش چشم‌نواز، اگرچه در هیاهوی فوتبال ایران گاه نقش مسکن را ایفا می‌کند اما همیشه باید نگران لحظه‌ای بود که این آرامش کاذب، جای خود را به بحرانی تازه دهد. حالا که استقلال بحران زده با مجتبی جباری جان تازه‌ای گرفته، بیش از هر زمان دیگری باید درباره «مسیر» صحبت کرد، نه صرفاً «مقصد»ی که شاید در چند هفته آینده به آن برسند.

مجتبی در دومین حضور رسمی‌اش روی نیمکت آبی‌ها، موفق شد تیمی را که مدت‌ها رنگ برد ندیده بود، با نمایشی خیره‌کننده احیا کند. ۲ پیروزی پیاپی مقابل پیکان و آلومینیوم، صعود به نیمه‌نهایی جام حذفی و بازگشت روحیه به اردوی استقلال، نوید فصل تازه‌ای می‌دهد؛ فصلی که البته باید با احتیاط ورق بخورد. جباری در آغاز راهی ایستاده که هر چند به ظاهر روشن است اما در بطن خود با مخاطرات بسیاری همراه است؛ بویژه در فضای پرتلهاپ و بعضاً احساسی فوتبال ایران.

در این شرایط، خطر اصلی نه از جنس تاکتیک‌های شکست‌خورده یا بازیکنان بی‌انگیزه، بلکه از سمت توهم موفقیت زودرس و بزرگ‌نمایی رسانه‌ای می‌آید. تعارف‌های بی‌پایه، تمجیدهای بی‌ثامل و نگاه‌های ساده‌انگانه به نتایج اولیه، می‌تواند جباری را زودتر از آنچه باید، در موضع دفاع قرار دهد. اکنون زمان آن است که باشگاه، هواداران و رسانه‌ها با حفظ عقلانیت، به جباری مجال آزمون و خطا بدهند، نه اینکه با کوچک‌ترین لغزشی، تیغ انتقاد را از نیام بیرون بکشند.

جباری، برخلاف بسیاری از ستاره‌های سابق که در دنیای مربیگری گم شدند، نشانه‌هایی از بلوغ فکری و توانایی رهبری دارد. او فوتبال را می‌فهمد، ساختار را می‌شناسد و از جایگاه استقلال در فوتبال ایران آگاه است اما آگاهی از این جایگاه با توانایی مدیریت آن ۲ مقوله جداگانه‌اند. استقلال پیش رو نیاز به خانه‌تکانی دارد؛ نه فقط در زمین، بلکه در ساختار تصمیم‌گیری، منابع انسانی و استراتژی بلندمدت. اینکه آیا جباری در قامت ناخدای این کشتی متاعلم خواهد درخشید یا در میانه مسیر فرسوده می‌شود، بستگی به آن دارد که چقدر به او اعتماد واقعی – و نه متوهمانه – شود.

نباید فراموش کرد سرمربیگری در استقلال یعنی ایستادن در میان آتش، آن هم بدون زره. امروز همه چیز خوب است: تیم می‌برد، بازیکنان لیخن می‌زنند، هواداران امیدوار شده‌اند اما فردا چطور؟ اگر نتیجه نگرفت، اگر باخت، اگر

تیم آفت کرد، آیا همان دوستان امروز، فردا او را تنها نمی‌گذارند؟ اینجاست که باید گفت از دوستی‌هایی که رنگ و بوی «خاله‌خرسه» دارند، بپرهیزیم. جباری نه یک منجی است و نه راه‌حل فوری مشکلات مزمن استقلال. او یک سرمربی در حال شکل‌گیری است که می‌تواند بدرخشد، اگر برایش صبر داشته باشیم.

اکنون مهم‌ترین وظیفه مدیریت باشگاه و هواداران، نه ساختن تندیس مجتبی در ۲ هفته طلایی، بلکه فراهم کردن فضای امن و حرفه‌ای برای رشد تدریجی اوست. آینده جباری، بیش از آنکه به خودش وابسته باشد، به بلوغ اطرافیانش گره خورده است.



هیچ چیز اتفاقی نیست. پیروزی‌ها یکی پس از دیگری رقم خوردند و زمانی که سوت پایان بازی با شمس‌آذر به صدا درآمد، لیگ هم عملاً تمام شد. هیچ تیمی توان رقابت نداشت.

■ تاج افتخار

قهرمانی اسال تراکتور، فقط یک جام نبود. این قهرمانی نقطه درخشان دیگری در کارنامه بازیکنانی بود که پیش از این نیز جام‌های بسیاری بالای سر برده بودند. علیرضا بیرانوند، با هفتمین قهرمانی‌اش در لیگ برتر، به یکی از پرافتخارترین بازیکنان تاریخ فوتبال ایران تبدیل شد؛ مردی که هر جا بوده، جام برده است. ترابی نیز با ۶ قهرمانی حالا در جمع پرافتخارترین‌هاست. خلیل‌زاده پنجمین جام را به وثرین افتخاراتش اضافه کرد. حتی بازیکنانی که در سایه بودند – مانند مهدی شیری یا محمد نادری – سهم خود را از این افتخار گرفتند و سه‌گانه خود را کامل کردند. دانیال اسماعیلی‌فر به سومین قهرمانی‌اش رسید، حسین‌زاده و عارف غلامی نیز دومی را جشن گرفتند. این لیست افتخارات حالا بیش از آنکه مربوط به گذشته باشد، به آینده تراکتور معنا می‌دهد. تیمی که با ستاره‌های سابق‌هاش، آینده‌ای پرافتخار را وعده می‌دهد.

این قهرمانی تنها به معنی بالا بردن جام نبود، بلکه پاسخ روشنی بود به سال‌ها انتظار، هواداری و رویاپردازی. تراکتور ثابت کرد اگر مسیر درست انتخاب شود، حتی قله هم دست‌یافتنی است. این پایان نیست، این آغاز یک دوران تازه در فوتبال تبریز است.